

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸- مراتب عمل صالح

۸-۱) اشاره به مراتب عمل صالح و مقام صالحان

«عمل صالح» عملی است که رنگ توحیدی داشته باشد و صالح بودن عمل دارای مراتبی است.

گاه نفع اخروی مطرح است، گاهی خشنودی خداوند و گاهی رسیدن به خود خداوند به این معنا که انسان خودش را در محضر خداوند ببیند و یا بالاتر یعنی توجّه کند که خدا را می‌بیند و یا بالاتر از آن یعنی این که خدا را مشاهده کند. بنابراین، بالاترین مرتبه‌ی عمل صالح شهود است که نمونه‌ی بارز آن امیرمؤمنان^(ع) می‌باشد که روایت آن بیان شد.

اگر بخواهیم «عمل صالح» را در قرآن کریم مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان مشتقات ریشه «صَلَحَ» مثل: «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، «عَمِلَ صَالِحاً»، «أَصْلَحَ»، «يُصْلِحُ»، «مُصْلِحٌ»، «يُصْلِحُونَ»، «اصلاح»، «صالحین» و ... را جستجو و در معانی آنها دقت و تدبّر نمود.

در یک نگاه اجمالی می‌توان صالح بودن عمل را به کمک این عبارات قرآنی، رتبه بندی کرد. گاهی در آیات قرآن عبارات «عَمِلَ صَالِحاً» و یا «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» به کار رفته است. این‌ها اشاره به پیکره اعمال صالح (به شرط اینکه با تبتّ خدایی به جا آورده شود) دارند.

و عبارت «أصلح»، «يُصلحون» و «مصلح» این گونه افراد را توضیح می‌دهد که عقاید شایسته

و توحیدی دارند، به ولایت معتقد هستند، و دارای اعمال صالح در حدّ نصاب هستند، هر چند ممکن

است مراحل عالی را طیّ نکرده باشند.

در مرتبه‌ی بالاتر عبارت «صالحین» کسانی را بیان می‌کند که تمام وجودشان خدایی است. نه

تنها اعمالشان، بلکه فکر و ذهن و اخلاق آنها نیز توحیدی است و تمام وجودشان را توحید در بر گرفته

است.

البته گاه حتّی صالحان در مورد مؤمنانی به کار رفته است که به اعمال صالح پایبند هستند و

هنوز تمامی اعماق وجود آنان صالح نشده است.

۸-۲) تحلیل سیر از عمل صالح تا مقام صالحان

گام اول در اصطلاح، اعمال ظاهری انسان می‌باشد و بعد از آن نوبت به فکر و ذهن می‌رسد و

انسان باید افکار غیر صالح را از ذهنش پاک کند و بعد از اصلاح عمل و ذهن، نوبت به اخلاق می‌رسد.

انسانی که اعمال، ذهن و اخلاقش را اصلاح کرد، نفس را که بت بزرگ (*النفسُ هی الصنمُ*

الاکبر) و سخت‌ترین دشمن انسان (*أعدّی عدوگَ نفسکَ الّتی بین جنّیک*) است را پیش رو دارد،

یعنی بعد از دوری از هوای نفس که همان اصلاح اخلاق درونی است، خود نفس است که در مقابل

خداوند می‌ایستد.

به تعبیر مرحوم بحر العلوم در رساله‌ی سیر و سلوک منسوب به ایشان، در این حالت، انسان مؤمن، خودش را گوهری مجرد و بی مکان و بی زمان که احاطه بر همه چیز دارد، می‌بیند. (منم طاووس علیین شده) که باید این نفس را بشکند.^۱

این همان نفس و روحی است که وقتی خداوند آن را آفرید، او را با عبارت «أحسن الخالقین» مورد خطاب قرار داد. او در مقابل آینه‌ی حق تصویر خود را دید. خداوند از او پرسید «من أنا» من کیستم؟. انسان کامل که جام جهان‌نمای الهی است در آینه خود نگاه کرد و تمام آنچه را که خداوند دارد، در خود دید. لذا او هم گفت: «من أنا» یعنی من چیزی از خداوند کم ندارم. ولی هنگامی که خطاب «أدبر» را شنید و پشت کرد، دید هیچ چیز ندارد و هر چه بوده متعلق به خداوند است. لذا پاسخ داد: «أنت ربّ الجلیل و أنا عبدک الضعیف»

انسانی که رشد می‌کند و همه چیز را اصلاح و به آن جایگاه می‌رسد، تازه نفسش گل می‌کند و در مقابل خدا می‌ایستد. از این رو در روایات، نفس انسان، بت بزرگ و سخت‌ترین دشمن انسان معرفی شده است.

^۱ . مرحوم شبستری در گلشن راز این سه مرحله را به اضافه طهارت ظاهری در ضمن چهار مرحله به زبان شعر توصیف کرده است:

طهارت کردن از آن هم چهار است	موانع چون در این عالم چهار است
دوم از معیصت و از شر و سواس	نخستین پاکی از احداث و انجاس
که با او آدمی همچو بهیمه	سیم پاکی از اخلاق نیمه
که اینجا منتهی می‌گرددش سیر	چهارم پاکی سر است از غیر
شود بی شک سزاوار مناجات	هر آنکو کرد حاصل این طهارات

لذا اصلاح واقعی هنگامی است که هر قدر انسان رشد می کند، خودش را ذلیل تر و خاضع تر

بیند.

در رساله‌ی سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم آمده است در مقابل اسلام اصغر، کفر

کوچک قرار دارد. هر قدر مراتب اسلام بالاتر می رود به همان نسبت و در مقابل آن، کفر هم بزرگ و

بزرگتر می شود تا جایی که کفر اعظم در مقابل انسان قرار می گیرد. (دقت کنید) انسان هر قدر اعمال

بیرونی‌اش را اصلاح می کند. رشد کرده و حجاب‌ها را برطرف می کند، ولی در سیر و سلوک و در درون

اتفاقی که می افتد بر عکس است. هر قدر انسان رشد می کند، نفسش را بزرگ و بزرگتر می بیند. جهت

تقریب ذهن به این مثال توجه فرمایید: آتشی را در نظر بگیرید که انسان از دور فقط دود آن را ملاحظه

می کند، ولی هر قدر نزدیک می شود، گرما و حرارت آن را بیشتر حس می کند تا جایی که به کانون

آتش نزدیک و سوزندگی آن را لمس می کند.

نفس انسان هم همین گونه است. انسان هر قدر در درون پیش می رود، در می یابد آنچه باعث

دود و سیاهی بوده همان آتش درونی نفس است که منشأ همه‌ی پلیدی‌هاست. لذا به کفر اکبر و سپس

کفر اعظم پی می برد و نتیجه‌ی آن ایجاد خضوع و خشوع در انسان است. هر قدر انسان در سیر و سلوک

پیش برود، خاضع تر خواهد شد.

لذا هنگامی که انسان به اصلاح اعمال خود می پردازد مصداق « عملوا الصالحات » است، ولی

جایی که خودش و نفسش را از میان برداشت، مصداق « صالحین » خواهد بود.

انسانی که رشد می‌کند اگر به جایی برسد که اعمالش را از خدا ببیند، نه خودش، وارد اولین مراحل فنا شده است. ابتدا فنای از افعال، سپس فنای از اخلاق و بعد فنای از نفس حاصل شده و انسان وارد وادی توحید می‌شود. بعد از این است که انسان در ابتدا همراه صالحین می‌شود (مع الصالحین) سپس پیش می‌رود تا در گروه و زمره‌ی صالحین قرار گرفته و وارد این دسته می‌شود. (فی الصالحین) بعد از این انسان از صالحین می‌شود (من الصالحین) این نهایت سیر است که خود فرد از صالحین خواهد شد. که البته این جایگاه (من الصالحین) نیز دارای مراتبی است.

۸-۳) مراتب و درجات مقام صالحان در قرآن

در آیات قرآن فراوان مشاهده می‌کنیم که پیامبران و انبیای الهی «من الصالحین» معرفی شده‌اند. تمام پیامبران از صالحین بوده‌اند ولی در مراتب مختلف.

از این رو می‌بینیم پیامبرانی مثل حضرت ابراهیم^(ع)، حضرت یوسف^(ع) و حضرت سلیمان^(ع) از

خداوند می‌خواهند که آنها را به صالحین ملحق فرماید. (أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ). با وجود آن که این

پیامبران و همه انبیای الهی از صالحین بوده‌اند، ولی باز دعا می‌کنند که خداوند آنها را از صالحین قرار

دهد. از این جا معلوم می‌شود که صالحین خود دارای مراتب هستند و این انبیاء، از خداوند آن مراتب

بالا را درخواست کرده‌اند.

بالاترین مرتبه‌ی صالحین، مقام محمدی^(ص) می‌باشد که پیامبران و انبیاء الهی گاهی به این مقام

راه داشته‌اند.

جهت تبیین موضوع به سوره بقره - آیه ۲۵۳ توجه کنید:

« تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ... »

« ما برخی پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم. از این پیامبران برخی دارای مقام تکلیم

بوده‌اند (مثل حضرت موسی^(ع)) و درجه‌ی برخی را بالا بردیم...»

این آیه به تفاوت مراتب و درجات پیامبران اشاره دارد، ولی آیا این تفاوت در رسالت و نبوت

آنها بوده است؟

عارف شیعی سید حیدر آملی در تفسیر خود می‌فرماید، پیامبران در نبوت یکسان بوده‌اند. این

تفاوت، در مراتب ایمان، یقین و شهود پیامبران و مبین درجات متفاوت صالحین می‌باشد.

و یا در سوره ی اسری - آیه ۵۵ داریم:

« ... وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ... »

«... برخی پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم...»

تفاوت رتبه و درجه‌ی پیامبران که در این آیه نیز به آن اشاره شده است، نشان می‌دهد صالحین

دارای مراتب هستند. همه‌ی پیامبران از صالحین بوده‌اند ولی هنگامی که دعا می‌کنند تا خداوند آنها را به

صالحین ملحق نماید، بنابر این مراتب بالای صالحین را آرزو کرده و مقام محمدی^(ص) را می‌خواسته‌اند.

در مورد حضرت ابراهیم^(ع) خداوند وعده‌ی اجابت دعای او در آخرت را می‌دهد:

« وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ » (سوره بقره - آیه ۱۳۰)

علامه طباطبایی^(ره) احتمال می‌دهند که حضرت ابراهیم^(ع) گاه به گاه و حالاً به مقام محمدی^(ص)

راه داشته‌اند و از خداوند، مقام معنوی پیامبر اکرم^(ص) و اهل بیت علیهم السلام را تقاضا کرده و خداوند

دعای ایشان را در آخرت اجابت خواهد کرد.

پیامبران همه نورند ولی همان طور که نور هم دارای شدت و ضعف می‌باشد پیامبران هم درجات

و رتبه‌های متفاوتی دارند، لذا از خداوند مراتب بالاتر را تهنی کرده‌اند.

۸-۴) بررسی تفضیلی آیات قرآن پیرامون تبیین مراتب صالحان

اینک از ابتدای قرآن آیات مربوط به «صلاح» را که بیش از ۱۸۰ مورد می‌باشد را از نقطه نظر

بحث مورد بررسی قرار خواهیم داد تا از این آیات مفاهیم مربوط به عمل صالح، تبیین شود:

✓ سوره بقره-آیه ۱۳۰:

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ

الصَّالِحِينَ»

«چه کسی است که از آیین ابراهیم روی برتابد، مگر کسی که نفسش نابخرد و جاهل باشد، و

ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت از صالحین خواهد بود.»

این آیه‌ای است که قبلاً اشاره شد. حضرت ابراهیم^(ع) در این دنیا، گاه به گاه و حالاً مقام

محمدی^(ص) را دارا بوده، ولی از خداوند می‌خواهد تا مقاماً به این جایگاه برسد.

نکته:

(۱) این آیه می‌فرماید: هر کس از آیین ابراهیم روی برتابد، به نفسش جاهل است، عکسِ نقیض

این آیه یعنی هر کس به نفسش معرفت داشته باشد، به ملت ابراهیم راه پیدا می‌کند. علامه طباطبایی^(ره) از

این آیه، معنای حدیث « مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ » را استنتاج می‌کند. هر کس به نفسش معرفت

پیدا کند، به توحید گرایش پیدا خواهد کرد.

(۲) در این آیه، حضرت ابراهیم^(ع) از «مصطفین» و برگزیدگان معرفی شده است. در آیات دیگر

قرآن عباراتی مثل «محسنین»، «توآیین»، «منیبین»، «اوآیین» و «مخلصین» به کار رفته است.

این عبارات ویژگی مراتب عالی ایمان می‌باشد که از مناظر مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در

«اوآیین» بازگشت به خداوند، در «مخلصین» رهایی از تسلط شیطان، در «منیبین» رجوع دائمی و

همیشگی به خداوند و در «توآیین» مراتب بالای توبه، همگی اشاره‌ای است به درجات بالای ایمان که

در این آیه حضرت ابراهیم^(ع) به عنوان «مصطفین» معرفی شده است.

✓ سوره بقره- آیه ۱۶۰:

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

«أصلح» در قرآن کریم گاهی به معنای انجام عمل صالح و گاهی به معنای اصلاح عمل گذشته و

یا اصلاح بین دو یا چند نفر به کار می‌رود.

در این آیه «أصلح» به معنای اصلاح و جبران اعمال گذشته می‌باشد. کسی که می‌خواهد توبه

کند، باید اعمال ناپسند گذشته‌اش را اصلاح کند. خطاب این آیه مؤمنین عادی هستند نه صاحبان

درجات بالای ایمان.

✓ سوره آل عمران - آیه ۳۹:

«أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ»

این آیه اشاره می‌کند، حضرت یحیی^(ع) از گروه صالحین می‌باشد.

✓ سوره آل عمران - آیه ۴۶:

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ»

این آیه بیان می‌فرماید حضرت عیسی^(ع)، از گروه صالحین می‌باشد. تعدادی از آیات قرآن اشاره

دارد که پیامبران الهی، از صالحین هستند که این دو آیه‌ی اخیر از این دسته آیات هستند.

✓ سوره آل عمران - آیه ۱۱۴:

«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ

أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»

این آیه ضمن معرفی افرادی از اهل کتاب که به خداوند و آخرت ایمان دارند، امر به معروف و نهی

از منکر می‌کنند و در انجام کارهای خیر شتاب می‌کنند، آنها را از «صالحین» معرفی کرده است.

این آیه، دلیلی دیگر بر مراتب صالحین می‌باشد. افرادی از اهل کتاب که ایمانی معمولی دارند نیز

از «صالحین» برشمرده شده‌اند که این اشاره به مراتب پایینی از صالحین می‌باشد.

البته اهل کتابی مورد نظر هستند که قبل از پیامبر اکرم (ص) بوده و به مبانی دین خودشان معتقد بوده

و عمل می‌کرده‌اند و در وظایف خود کوتاهی نداشته‌اند.

لذا در توضیح «صالحین» باید آیه مورد نظر را بررسی کرد.

✓ سوره‌ی نساء - آیه ۶۹:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ...»

«الصَّالِحِينَ...»

انسان باید در انجام عمل صالح بکوشد و تلاش کند تا کمکم به صالحین نزدیک و نزدیک‌تر شود.

و اولین نزدیکی این است که همراه صالحین خواهد شد «مع الصالحین» و سپس «فی الصالحین» و در

نهایت «من الصالحین» خواهد بود.

این آیه اشاره به همین موضوع دارد. کسانی که تسلیم اوامر الهی باشند و به وظایف دینی خود

عمل کنند، آرام آرام همراه آنانی خواهند شد که خداوند به آنها نعمت ولایت و سرسپردگی در برابر اوامر

الهی داده است.

این‌ها به ترتیب عبارتند از:

نبیین: پیامبران

و الصدّیقین: افرادی که با تمام وجود پاک هستند.

والشهداء: منظور شاهدان اعمال و کسانی هستند که حقایق اعمال را می‌بینند.

والصالحين: «صالحين» در این آیه بار کمی دارد. در آیات گذشته ملاحظه شد که انبیای الهی همگی از «صالحین» بوده‌اند ولی در این آیه «صالحین» چند درجه پایین‌تر از «نبیین» قرار گرفته که معلوم می‌شود مراتب پایین‌تر از «صالحین» مورد نظر است.

✓ سوره‌ی مائده - آیه ۸۴:

«وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ»

با توجه به آیات قبلی، این آیه در مورد مسیحیان می‌باشد که در معرفی برخی از آنها می‌گوید انسانهای رؤوفی هستند و هنگامی که اسباب حضور در جهاد برایشان مهیا نیست، اشک می‌ریزند تا این که در این آیه می‌فرماید: چرا ما به خداوند و آنچه از حق آمده ایمان نیاوریم، در حالی که ما طمع و امید داریم که خداوند ما را همراه صالحین قرار دهد.

این آیه نیز بیان می‌کند اگر انسان عمل صالح انجام دهد، خداوند او را با اولین مرتبه از صالحین پیوند خواهد داد.

✓ سوره انعام - آیه ۸۵:

«وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلِيَّاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ»

این آیه و آیات قبل و بعد آن، با ذکر تعدادی از انبیای الهی مثل ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، یسع، یونس و لوط علیهم السلام، همه‌ی آنها را از صالحین معرفی کرده است.

✓ سوره اعراف - آیه ۱۶۸:

« وَ قَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ ذُنُوبٌ ذَالِكِ... »

این آیه در مورد بنی اسرائیل می‌فرماید: « و ما آنها را در روی زمین، جدا جدا و به صورت

گروه‌هایی پراکنده ساختیم، برخی از آنها صالح بودند و برخی نبودند. »

در آیات مختلف و در توضیح «صالحین» باید به مورد آیه توجه کرد. معنی «صالحین» در آیات

مختلف، با هم متفاوت است. در این آیه، سطح پایینی از صالحین مورد نظر است. هر کس اعمال صالح

انجام دهد از مؤمنان صالح و شایسته خواهد بود.

✓ سوره اعراف - آیه ۱۷۰:

« وَ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ »

« هر کس به کتاب خدا تمسک جوید و نماز به پای دارد، ما اجر مصلحین را از بین نمی‌بریم. »

«مُصْلِح» هم به معنای انجام عمل صالح است و هم به معنای برقراری آشتی و پیوند بین دیگران.

در هر دو صورت در این آیه مراتب پایین صلاح مورد نظر می‌باشد.

✓ سوره اعراف - آیه ۱۹۶:

« إِنِ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ »

« همانا ولی من، خداوندی است که قرآن را نازل فرموده و اوست که بر صالحین ولایت دارد. »

این آیه معنای دقیقی دارد که مستلزم توجه و دقت بیشتر می‌باشد. از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید،

خداست که بر من که از صالحین هستم ولایت دارد.

در این جا ولایت به معنی دوستی و یاری، یا ولایت اجتماعی و یا ولایت در تبیین مسائل دینی نیست، بلکه منظور یک اصطلاح قرآنی-عرفانی می باشد که زیر بنای نبوت بوده و به این معناست که انسان خودش و اعمالش را از خودش نداند و همه چیز را از خدا بداند. هنگامی که انسان تمام وجودش، اعمال و افکار خویش، تمام روح و نفسش را از خداوند بداند، وارد جرگه‌ی صالحین خواهد شد. معنی ولایت در این آیه، این مرتبه است که با صلاح ارتباط بسیار نزدیکی دارد.

این که می‌گوییم فردی از «اولیای الهی» است نه این که او دوست خداوند است. بلکه ولیّ خدا، همه‌ی وجودش را از خدا می‌داند.

و در پایان آیه می‌فرماید: «و هو يتولّى الصّالحین» یعنی خدا متولّی صالحین است و بر آنها ولایت دارد.

به عبارت دیگر در این آیه پیامبر اکرم (ص)، خود را از صالحین معرفی می‌کند که منظور سطح عالی و والایی از صالحین می‌باشد و در واقع همانست که پیامبرانی مثل حضرت ابراهیم، سلیمان و یوسف علیهم السلام از خداوند تقاضا کرده‌اند.

✓ سوره توبه - آیه ۷۵:

« وَ مِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللّٰهَ لَئِنِ ءَاتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصّٰلِحِیْنَ »

این آیه اشاره به مراحل بسیار پایین و عمومی از صالحین می‌باشد و وصف حال کسانی است که با خداوند عهد می‌بندند، اگر خدا تفضل کند و روزی آنها را بیشتر کند، در راه خدا صدقه خواهند داد و از صالحین خواهند بود.

✓ سوره یوسف - آیه ۹:

« اَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ »

این آیه مشابه سوره بقره - آیه ۱۱ که در مورد منافقین بود، به واقع صالحین ادعایی است و بار منفی دارد. لذا باید به معنای آیات به طور دقیق توجه کرد.

برادران یوسف این گونه پنداشتند که با کشتن یوسف و از میان رفتن او در نظر پدرشان جلوه خواهند کرد و از صالحین به شمار خواهند رفت.

✓ سوره یوسف - آیه ۱۰۱:

« رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيّ

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ »

این آیه هم توصیف دیگری از «ولی خدا» و پیامبری است که همه چیز را از جانب خداوند

می‌داند:

- رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ : خدایا تو پرورنده‌ی من و کسی هستی که فرمانروایی را به من عطا

کردی.

- وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ: و تو تعبیر خواب را به من آموختی.

- فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: تو آسمان‌ها و زمین را از پرده‌ی عدم شکافتی و به وجود آوردی

(آسمان‌ها یعنی مجردات و زمین یعنی مادیات و « السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ » کنایه از همه‌ی موجودات

است.) و بعد از این‌ها، حضرت یوسف^(ع) خود را تحت ولایت خداوند معرفی می‌کند:

- أنت وليّ في الدّنيا و الأخرّة : در تمام امور دنیوی و اخروی تو ولیّ من هستی. در تمام لحظات

تو سرپرست من بودی و من از خودم چیزی ندارم. (« في الدّنيا و الأخرّة » دو معنی دارد: در دنیا و

آخرت؛ و یا در امور دنیوی و اخروی)

سپس حضرت یوسف^(ع) از خداوند می‌خواهد که او تا لحظه‌ی مرگ بر همین راه بماند: تَوَقَّئِي

مسلماً.

و در نهایت این پیامبر الهی که همانند دیگر انبیاء از صالحین بوده است، از خداوند می‌خواهد که او

را به صالحین، ملحق نماید: «أَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» نکته‌ی ظریفی که در این آیه به چشم می‌خورد این

است که حضرت یوسف^(ع) ابتدا دعا می‌کند: « تَوَقَّئِي مُسَلِّماً » و سپس می‌خواهد که: « أَلْحَقْنِي

بِالصَّالِحِينَ » و این مشابه حضرت ابراهیم^(ع) است که: « وَآتَيْنَا أُجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَآنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ

الصَّالِحِينَ »

یعنی حضرت یوسف^(ع) هم دعا می‌کند تا پس از مرگ و در آخرت، خداوند او را از « صالحین »

قرار دهد، که منظور همان مقام محمدی^(ص) می‌باشد که پیامبران برجسته‌ای مثل حضرت ابراهیم^(ع) در این

دنیا حالاً داشته‌اند و آرزو دارند در آخرت به این مقام برسند. پس از دعا برای این که « مسلم » از دنیا

برود، می‌خواهد که در آخرت از « صالحین » باشد و به مقام محمدی^(ص) که بالاترین مرتبه‌ی صالحین

است برسد.

✓ سوره‌ی رعد - آیه ۲۳:

«جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ...»

«من صَلَحَ» یعنی کسی که اعمال صالح انجام دهد و مراتب پایین و عموم مؤمنین را شامل می‌شود

که این گروه به شفاعت دیگران وارد «جَنَّاتٌ عَدْنٌ» می‌شوند.

در آیات قرآن اسامی مختلفی برای بهشت به کار رفته است که مبین مراتب متفاوت بهشت

می‌باشد. اسامی «جَنَّاتٌ عَدْنٌ»، «نعیم»، «فردوس»، ... معرفی این مراتب است.

✓ سوره‌ی نحل - آیه ۱۲۰ تا ۱۲۲:

«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۰)

شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۲۱)

وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۲۲)»

در این آیات، حضرت ابراهیم^(ع) توصیف شده است:

أُمَّةً: خودش به اندازه ی یک امت بود.

قَانِتًا لِلَّهِ: «قنوت» یعنی فرمانبرداری همراه با تواضع.

حَنِيفًا: تمام توجهش به خداوند و حق بود، حق گرا بود و تمایلی به باطل نداشت.

لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: در وجود او اصلاً شرک وجود نداشت.

شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ: در برابر نعمتهای خداوند شکرگزار بود.

اجْتَبَاهُ: برگزیده‌ی خداوند بود.

هدیه الی صراطِ مستقیم: هدایت یافته به صراطِ مستقیم بود.

وَأَتَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً: و ما در دنیا به او «حسنه» دادیم.

در معنای «حسنه» در دنیا، برخی همسر خوب و زندگی خوب و امثال آن را بیان کرده‌اند ولیکن

در روایات ما «حسنه» به معنای توحید محض و توجه صرف به خداوند می‌باشد.

حضرت ابراهیم^(ع) با تمام این خصوصیات والا، در آخرت از صالحین خواهد بود: «وَإِنَّهُ فِي

الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

✓ سوره شعراء - آیه ۸۳:

«رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

این آیه نیز در مورد حضرت ابراهیم^(ع) و دعای ایشان از خداوند می‌باشد.

✓ سوره نمل - آیه ۱۹:

«فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ

أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَذِلِّنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»

این آیه اشاره به داستان حضرت سلیمان^(ع) دارد که از سخن مور، متبسّم شد و گفت: «خدایا به من

الهام کن تا از درون شکر نعمتی را که به من و والدینم دادی بجای آورم و عمل صالحی را انجام دهم که

تو از آن خشنود شوی.»

عبارت «ترضاه» اشاره به همان مراتب «حسن فاعلی» دارد که قبلاً بیان شد. نیت انجام عمل

رضایت و خشنودی خداوند مطرح شده است.

حضرت سلیمان^(ع) که از پیامبران بزرگ الهی بوده است از خدا می‌خواهد که با رحمت خودش، او

را وارد بندگان صالحش بکند: «وَأَلْحَقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.»

✓ سوره عنكبوت - آیه ۹:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ»

این آیه شرط ورود در صالحین را عمل صالح معرفی می‌کند. کسانی می‌توانند وارد گروه صالحین

شوند که ایمان و عمل صالح داشته باشند، که بحث‌های مقدماتی را که بیان کردیم به خوبی می‌توان از این

آیه استخراج کرد.

✓ سوره عنكبوت - آیه ۲۷:

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي

الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

این آیه نیز در مورد حضرت ابراهیم^(ع) می‌باشد که اجر دنیوی او را خداوند در این دنیا داده است

ولی رسیدن به مقام محمدی^(ص) که در این دنیا ممکن نمی‌باشد، در آخرت برای او محقق خواهد شد.

جمع بندی:

آنچه که از بررسی آیات قرآن برداشت می‌شود این است که «صلاح» از عمل شروع می‌شود. عمل باید ادامه یابد تا اعماق وجود انسان رنگ توحیدی پیدا کند. ابتدا عمل، سپس فکر و اخلاق و در نهایت نفس انسان باید فانی شود، خودش را بیازد و همه چیز را از خدا بداند تا کم کم به مراتب پایین صالحین راه یابد.

در این راه ابتدا همراه صالحین (مَع) می‌شود، سپس در گروه آنها (فِی) قرار می‌گیرد و در نهایت از (مِنْ) صالحین خواهد شد. تا مراتب بالایی که خاص انبیاء و افرادی که مقام معنوی بالایی دارند، می‌باشد و از همه بالاتر مقام محمدی (ص) که پیامبران بزرگی مثل ابراهیم، سلیمان و یوسف علیهم السلام از خداوند آرزوی آن را داشتند.

نکته این که آغاز راه با انجام اعمال صالح و سپس مداومت در آن می‌باشد.

خدایا به محمد و آل محمد (ص) ما را موفق به انجام اعمال صالح بفرما و به زندگی ما رنگ

توحیدی ببخش.

آمین